

کودکان زبان مخصوص به خود را دارند. این زبان عاری از هسر گونه پیچیدگیها و غوامض می باشد نمی خواهند رسمی باشند و به قول خودشان از بکار بردن کلمات "قلنبه" خوششان نمی آید. کودکان دوست دارند هر مطلبی که به آنان گفته می شود به زبانی ساده باشد. در ادامه همین موضوع بوده است که بزرگان تعلیم و تربیت تاءکید کرده اند که با



آموزش با شعر

کودکان به زبان خودشان صحبت کنید. چون که با کودک سروکارت فتاد پس زبان کودکی باید گشاد "زبان کودکی" همان گفتار بی بیرایه و ساده ای است که کودکان بایکدیگر حرف می زنند. صحبت کودکان باهم بسیار شیرین است اگر بتوانیم لحظاتی چند به گفتگوهای خصوصیشان گوش دهیم به شرط اینکه وجود ما را احساس

نکنند خواهیم توانست به دنیای صفا و پاکی آنها وارد شویم. یکی از راههای متنوع و جالب آموزش در کودکان " آموزش باشعری" می باشد که رابطه نزدیکی با خلق و خصوصیات آنان ایجاد می کند. شعر به علت وزن و قافیه و آهنگین بودن در دل کودک می نشیند و او را برای یادگیریهای بعدی آماده می کند. در مراکز پیش دبستانی این شعر بسیار رایج است:

یه توپ دارم قلقلیه

سرخ و سفید و آبییه

میزنم زمین هوا میره

نمیدونی تا کجا میره

من این توپونداشتم

مشقامو خوب نوشتم

با یام برام عیدی داد

یه توپ قلقلی داد.

این شعر که از طرف سراینده خاصی سروده نشده است دنیایی از نشاط و سرزندگی را برای کودک فراهم می کند و همصدایی کودکان در هنگام خواندن این شعر بسیار شنیدنی است. اشعاری که به زبان ساده و به دور از استعارات و کنایه های پیچیده برای کودکان سروده می شود در جنبه های مختلفی چون گفتار و اندیشه کودک مؤثر می افتد و در عین حال روش مناسبی

برای آموزش مقدمات دروس می باشد، درسهای بعدی می توان این اشعار را برای آموزش مطالب تربیتی، علمی و دروس گوناگون چون ریاضی و فارسی تعمیم داد. یکی از معلمین فعال در دوره ابتدایی برای تعریف می کرد که در درس ریاضی روشهای شعری جالبی را بوجود آورده است و سعی میکند بسیاری از مطالب گنگ و تعریف وار را که موجب نفرت و بیزاری دانش آموزان می باشد با شعر به آنان آموزش دهد. از جمله می گفت برای اینکه به دانش آموزان نشان دهم که از یک نقطه به یک دایره دو خط میتوان رسم کرد سروده ام:

از نقطه های بر گردکی دو سیخکی

بوسان شود.

یعنی دو خط از یک نقطه دایره

میروند و آن را می بوسند. این

شعر هر چند در برخورد اول

پیچیده می نماید ولی با یک بار

معنی کردن بر مغز دانش آموز

حک می گردد.

زبان شعر: اگر با در نظر گرفتن

همه جوانب رشد کودکان سروده

شود اشعاری به یاد ماندنی خواهد

بود که حتی در دوران بعد نیز

فراموش نخواهد شد. از این زبان

میتوان مسائل ساده ای چون طرز

رفتار با اعضای خانواده، سایر

کودکان، افراد اجتماع را به آنان

عمو زنجیر باف.....بله

زنجیر منوبافتی.....بله

پشت در انداختی.....بله

با یات اومده..... با صدای چی

با صدای: گریه... میو، میو، میو

و همچنین سایر بازیهایی که با

ابتکار آموزگاران فعال میتوان به

راحتی ترتیبشان را داد. ورزش و

بازی در روحیه و عواطف کودکان

تاثیر فراوان دارد و کودکان

گرایش بی سابقه ای را نسبت به این

دو نشان میدهند پس چه بهتر که

سعی کنیم این دو جنبه مهم را

به موارد یادگیری گسترده ای تعمیم

دهیم. اگر شعر را بتوانیم با ورزش

و بازی همراه کنیم علاوه بر

شیرین تر کردن لحظات کودکان

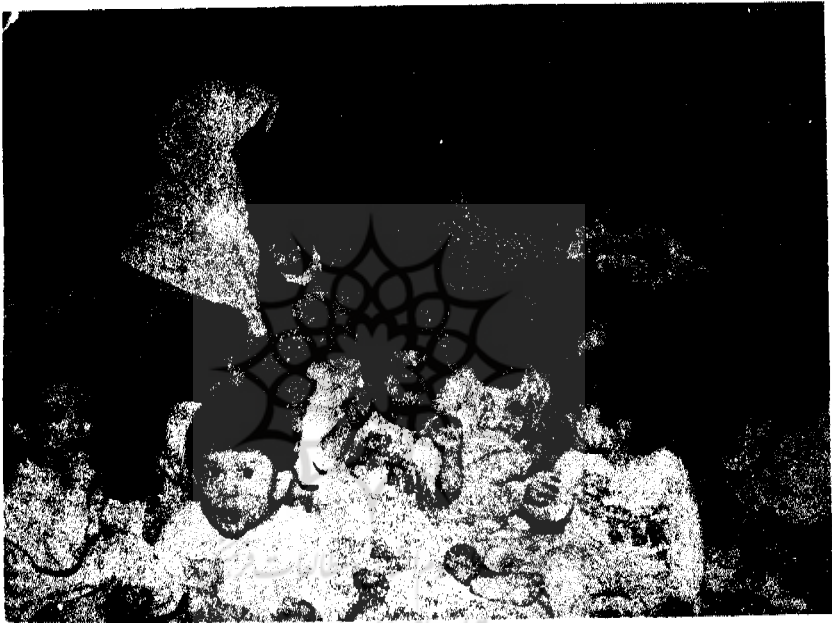
خواهیم توانست دایره لغات و

حیطه معلومات آنان را وسعت

یکی قطره باران زابری چکید
 خجل شد چو پهنای دریا بدید
 که جایی که او هست من کیستم
 گر او هست حقا که من نیستم
 فلک را به جایی رسانید کار
 که شد نامور لؤلؤ شاهوار
 بلندی از آن یافت کو پست شد
 در نیستی کوفت تا هست شد
 که شاعر بزرگوار خواسته است تا

و اما باران و شعر زیبای گلچین
 گیلانی که همچون باران لطافت و
 زیبایی و نرمی خاص خود را دارد:
 باز باران با ترانه با گهرهای فراوان
 میخورد بر بام خانه.....
 کودکی ده ساله بودم شاد و خرم
 چست و چابک، می‌دویدم از لب‌جو
 می‌دویدم من به هر سو.....

بخشیم، سرودن شعر برای کودکان
 احتیاج چندان به طبع شعری و
 فعالیت زیاد ندارد. هر معلمی با
 قدری زحمت و علاقه خواهد
 توانست اشعار مناسبی را برای
 شاگردان خود فراهم آورد و
 چنانچه به هیچوجه آموزگاری
 نتواند اشعاری برای کودکان خود
 بسراید میتواند از کتابها و مجلات



معنای فروتنی و خضوع و خشوع
 را با مثال و زبانی ساده توضیح
 دهد. امیدوارم آموزگاران کرامی
 به شعر و جنبه‌های آموزشی آن
 ارزش بیشتری را فائل شده و
 بتوانند محیطی گرم و دوست -
 داستنی برای کودکان فراهم کنند.

در مراحل بعدی یعنی نوجوانی
 و جوانی که در ذهن کودک آماده‌تر
 شده و مقدمات تعداد زیادی از
 علوم مختلفه را یاد گرفته است
 می‌توان از اشعار مناسب دیگری
 استفاده کرد و حتی مطالب انتزاعی
 را نیز به او آموزش داد:

مناسب کودکان استفاده کند. از
 دوران کودکی اشعاری هنوز در
 لابلای ذهنمان است که در رابطه
 با یک کلمه یا یک موجود سروده
 شده‌اند مانند کتاب، مادر، باران
 من یا مهربانم، داناوی زبانیم...
 دستم بگیرت و یا بیابرد
 نا شیوه، راه رفتن آموخت.....

بهبان کرد. اول حرف زد و حرف زد. بعد آمد توی راهرو جیغ بلندی کشید. بعد نقش زمین شد. ! مدرسه بهم ریخت، امروز خیال حال آشفته‌ای دارد که می‌رس. امروز خیال، آه هفده ساله، مبتلا به " روان نژندی اضطراب"، مبتلا به "اسکیز- و فرنی" - بقول آقای (؟) نیست. امروز او "هبنیک!" و "کاتا- تونیک" نیست. شاید هم یکجا مبتلا به همه! خیال مانده است و همسری معتاد ودوتا بچه مویز زیبا.

خیال مانده است و شدت آن خیالهای آشفته و درهم.

امروز هم درهسته‌های مشاوره و راهنمایی، پیونده‌های خیالهای آشفته احوال، باز و گشوده است.

امروز هم، درمدارس، انواع کژ روی‌ها، مدیران و مربیان را غصه دار کرده است.

امروز هم طلاق و اعتیاد و هوس و طغیان نفس اماره، مسئله ساز و کودکان و نوجوانانی داریم که در فقر فرهنگی خانواده می سوزند. کودکان و نوجوانانی داریم که از رفاه نسبی و رفاه کافی هم بهره دارند، اما در معرض آفت. مادر مرز خطر. اما در معرض سقوط؟ شرط، آگاهی خانواده هم هست. همیاری خانواده هم هست. بایک گل مری، شاید "بهار" نشود. اما با مهربانی و هردو سر خانواده و مدرسه و مری، بهار، تجلی می‌کند.

آب را باید از سرچشمه بست! که بعدها لاشه پیل هم چاره نمی‌کند. هرچه هست در موج و خروش روان است. گره، شیوه، گشودن می خواهد. نگارنده محض ملاحظات، همه زوایای پیونده، خیال را آفتابی نکرده است. خیال

بیست و چهار ساله امروز، عصاره آن همه درد و غصه و رنج مدیران و مربیان پرورشی مدارس ماست. که به هر حال خیلی هم احساس مسئولیت می‌کنند. بار مسئولیت همکاران فرهنگی ما، بویژه در مدارس دخترانه سنگین است. نوع‌کار و نوع برخورد خیلی حساس است. باید مدیران و ناظم‌های خوب و مجرب و کاردان و آگاه مدارس دخترانه را ستایش کرد. باید مربیان پرورشی باهوش و تیز بین و راز دار مدارس دخترانه را به دیده احترام نگریست. کار آنها دشوار است و شیوه‌های برخوردشان بسیار حساس. در ستادهای تربیتی مدارس، به شیوه‌های برخورد توجه کنید.

شیوه برخورد با کودک و نوجوان و جوان، هنر والایی است که گوهر وجود مربیان است. تا گفتگو و محالی دیگر، خدانگهدار.

بهترین چیزها که نوجوانان باستی باید بگیرند کارهایی است
که به بنگام بزرگسالی محتاج با آنها خواهند بود